










**وزن و حروف اصلی:**

\* بسیاری از کلمه ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال: عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، تَعْلِيمٌ، که سه حرف اصلی شان (ع ل م) است.  
 در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و ...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده اند. به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می گویند.  
 \* با نگاه به هم خانواده های یک کلمه می توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ مثلاًدر کلمه ها «مُجَالَسَةٌ / مَجَالِسٌ / إِمْلَاسٌ / جُلُوسٌ / جَلْسَةٌ» به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است. که این سه حرف همان حروف اصلی یاریشه آن کلمات هستند.  
 \* حروف زائد «حروفی هستند که همراه حروف اصلی می آیند؛ که این حروف معنای جدیدی به کلمه می دهند. حروف اصلی کلمه ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می شوند. مثال: مُجِئٌ جِئَ جِئَ جِئَ = مُجَالَسَةٌ-حروف زائد عبارتند از: مُ-ا-ة  
 \* بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال: کلمات وزن ناصِر عَارِفٌ ظَالِمٌ فَاتِحٌ قَاتِلٌ (فَاعِلٌ) است.  
 \* وزن کلمات مَنصُورٌ مَعْرُوفٌ مَظْلُومٌ مَفْتُوحٌ مَفْتُولٌ (مَفْعُولٌ) است.

\* معمولاً وزن «فَاعِلٌ» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُولٌ» به معنای «انجام شده» است؛ مثال: حَامِدٌ-ستاینده، مَحْمُودٌ- ستوده شده  
 \* فَعْلٌ امر: فعل امر از مضارع ساخته می شود و حرف (ت) ابتدای آن (ن) آخر مضارع حذف می گردد. به فرق میان فعل های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید. و فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفَعَّلُ	إِفْعَلْ
	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي
	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ
	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا

\* فعل نهی: از مضارع ساخته می شود و به ابتدای آن حرف (لا) اضافه می گردد و مانند فعل امر حرف (ن) از آخر فعل حذف می شود. به فرق میان فعل های مضارع و نهی توجه کنید ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفَعَّلُ	لَا تَفْعَلْ
	تَفْعَلِينَ	لَا تَفْعَلِي
	تَفْعَلُونَ	لَا تَفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
	تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلَا

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی: لا تَرَجِعْ: بر نمی گردی - لا تَرَجِعْ: بر نمی گردی // لا تَرَجِعِينَ: بر نمی گردی - لا تَرَجِعِي: بر نگرد

**ترکیب وصفی (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)**

\* موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود.  
 مثال: فَصَّحَ مَخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنزِلِهِ-در این مثال مختبر موصوف و صغیر صفت است.  
 \* مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش یعنی مضاف الیه نسبت داده می شود؛  
 مثال: «أَلدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ» در این مثال مزرعة مضاف و آخرة مضاف الیه است.

**معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی**

\* ماضی ساده: نشان دهنده کاری است که در گذشته انجام و تمام شده است؛ مثال: كَتَبَ: نوشت  
 \* ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛ مثال: كان يَكْتُبُ: می نوشت  
 \* فعل «كَانَ» گاهی پیش از فعل مضارع می آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می شود؛  
 مثال: ﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشان ستم می کردند.

**ساعت شماری و ساعت خوانی:**

برای ساعت خوانی و ساعت شماری از اعداد ترتیبی می توان استفاده کرد  
 ۱. ساعت کامل: مثال: أَلْوَجِدُهُ تَمَامًا: ساعت یک / الثَّانِيَةَ تَمَامًا: ساعت دو  
 ۲. ساعت کامل به اضافه نیم: مثال: أَلرَّابِعَةَ وَ النِّصْفَ: ساعت چهارونیم  
 ۳. ساعت کامل به اضافه ربع: مثال: أَلْخَامِسَةَ وَ الرُّبْعَ: ساعت پنج و ربع  
 ۴. یک ربع مانده به ساعت کامل: مثال: أَلسَّابِعَةَ إِلا رُبْعًا: ساعت یک ربع به هفت (ساعت هفت یک ربع کم)